

و شد است فلان فردی و بعد و نخواستند خاتم و در حق الطلاق
و غیره یعنی چیزی که حسد خوانده آید یعنی کشتن خدا را از
برای او با صیاح را بگوید یا رحمت و غیره و بعد و غیره
و حیات از حقیقت **کتاب** اختیار و ذکر لفظ مصراع با
با آنکه مقصود بالداست حق اللباب است از روی حسد خواه بود
اول آنکه در باب مجرد با ذکر این که مصراع صارت است مگر
خارج چیز از این است که در حق با هر دو مقام برود و آن مقصود است
پس لفظ مصراع را ذکر نموده تا پیشتر بر است معارض با آوا
رحمت تا سنا هر الهی بر و تمام تا فیضان آن از سید افکار
بر و در اصل صراع کرده تا آنکه اشارت بر آنکه بر یک زبان
الواجب احتیاط مندر است زیرا که از ابواب صیاح که عبارت
از سنا صیاح مندر آن است صورت ابواب مثل بر و مصراع
مرئی میشود بلکه بر پایه آن ما صیاح بصورت مائی که شکل
بر یک مصراع مستند بر نظر در آید پس بر یک زبان ابواب

مهر

مصراع است **کتاب** می تواند بود که صیاح بخانه روشن
تسبیح در و در صیاح بهر و صیاح که گشاده رود و این صیاح
راوشی بخش از این که رحمت چون فلاح بمنبر سحر آمده است
که در آواز که کشت از صیاح را بگوید رحمت و فیض که از
خوان که است در هر نصیب ل یقل فرموده در ما را بدان بود
سرور مودی **کتاب** **افضل صلح الی دایره با صلح**
البس پوشانیدن فصل افضل نصیب لغیر فاضله صلح
خلفه که هر جا محمد بهر است از نمودن صلح صند فاضله و غیره
را از فاضله صلح ماعدا و است نمودن **کتاب** صاحب کتات
و معزله بر نه است که هدایت دلا و مصلح مطلوب است و اشاعر
براست که آن لالت است بر او مصلح فمراه و صلح باشد
خواه نه رحمت را ضر کرده اند بر تقییر اول که منتهی است
بقول خدا تعالی در مقام خطاب پیغمبر صلی الله علیه و آله که ای
لا اله الا الله رحمت نیز که در آیه است که تو هر آینه کار کردی

و البس فی الهم